



یادداشت

در ضرورت توجه جنبش به عدالت اجتماعی

صادق کار



تردیدی نیست که تامین معیشت به بزرگترین دغدغه اکثریت مردم در این ایام تبدیل شده است و فشار زیادی بر مردم وارد می کند.

اکثریت مردم هر شب که به رختخواب می روند و هر صبح که از خواب بیدار می شوند نگران تامین مایحتاج اولیه زندگی شان هستند. یک زن سرپرست خانوار از تبدیل تامین معیشت به کابوس های شبانه اش می گوید. یک بازنشسته بیمار فکر تهیه هزینه داروی بیمارش شب و روز برایش نگذاشته است. کارگر روز مزد ساختمانی بیمه درمانی و اجتماعی برایش به آرزو تبدیل شده است. کودک خیابانی مدرسه برایش رویا است. برای خیلی از زنان داشتن شغل شایسته آرزو است.

اعتراضات مطالباتی کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر مزد و حقوق بگیران و بی چیز شدگان شهری و روستایی و حاشیه نشینان اعتراض به بی عدالتی است.

وضعیت بقیه هم با تفاوتی به همین گونه است. اینها تنها نمونه های از وجود بی عدالتی گسترده در کشور ماست.

زنان در خلق جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و پیشرفت تا کنونی آن بی تردید نقش اساسی را داشته و دارند. اما همه مطالبات زنان را خطاست اگر کسی در حجاب اجباری خلاصه کند. زنان علاوه بر لغو حجاب اجباری خواسته های متعدد دیگری نیز داشته و دارند که انتظار دارند در جنبشی که آغازگر آن بوده اند تحقق پیدا کند.

رفع انواع تبعیضات جنسیتی از تبعیض شغلی و مزدی گرفته تا رفاه و برابری و آزادی از مطالبات و آماج های اعتراضات همیشگی زنان حداقل از یک قرن گذشته تا کنون بوده است. فقر و نابرابری در کشور ما بیداد می کند. وضعیت اکثریت زنان در این موارد به یقین بدتر، رنج آنان بیشتر و به تبع آن تمایل شان به عدالتخواهی باید بیشتر باشد.

تعداد زنان تحصیل کرده می گویند بیشتر از مردان است. آنها از لحاظ تخصص و کارآیی هیچ چیز کمتر از مردان ندارند. اما در بهترین حالت سهم زنان از اشتغال ۱۸ درصد است. شرایط استخدامی شان بسی



سخت تر از مردان، حقوق و دستمزدشان کمتر و بعضا با آزار و اذیتهای در محل های کار درگیر هستند که اثرات روحی و روانی زیادی را بر آنان تحمیل میکند

اکثر کارفرماها از استخدام زنان متاهل خصوصا اگر بچه دار باشند امتناع می کنند. با دهها دلیل و برهان دیگر می توان ادعا کرد که جنبش زنان بواسطه ستمها و تبعیضات مضاعف و متعددی که علیه زنان اعمال می شود، جنبشی به مراتب عدالتخواه تر و انقلابی تر از سایر گروه های اجتماعی است. به واسطه همین خصوصیات است که زنان توانسته اند پرچمدار جنبشی بشوند که از پشتیبانی عموم مردم برخوردار است.

هر جنبشی برای خود نقاط قوت و ضعفی دارد که می تواند در کامیابی آن نقش مثبت و منفی داشته باشد. جنبش انقلابی زن زندگی آزادی و هیچ جنبش دیگری نیز از این قاعده مستثنی نیست. این جنبش در واقع با همه تفاوتهای که با جنبش های پیشین ۱۲ سال گذشته ممکن است داشته باشد، به مانند همه ی آنها ذاتا عدالتخواه ست. اما عدالتخواهی خاصه وجه اقتصادی آن حلقه فراموش شده و نقطه ضعف جنبش زن، زندگی، آزادی، است که می تواند در صورت تداوم باعث کاهش وسعت و کارایی پایگاه اجتماعی آن شده و در پیروزی اش اثر منفی به جا بگذارد. جای شعارها و مطالبات اقتصادی و معیشتی در فعالیتهای جنبش خالی ست و چنین مطالباتی بندرت در فعالیتهای آن دیده می شود

این در حالی است وقوع این جنبش در شرایطی رخ داد که قبل از آن در یک دوره ده ساله جامعه علاوه بر از سر گذراندن دو جنبش هر ساله شاهد وقوع هزاران اعتصاب و اعتراض مطالباتی و عدالتخواهانه بود که خود زنان نیز در آنها شرکت داشتند. وقوع ۴ هزار اعتصاب و اعتراض در سال پیش از شروع جنبش زن، زندگی، آزادی، و تداوم آنها تا آستانه این جنبش در واقع شرایط را برای ظهور و پایداری آن و حمایت عموم گروه های اجتماعی از آن فراهم کرده بود. این حمایتها همچنان ادامه دارد. ولی تداوم و کامیابی جنبش مستلزم حمایت از اعتراضات و مطالبات معیشتی است که هم اکنون در کشور جریان دارد

بحرانها و معضلات متعدد و بغرنجی که در کشور ما طی ۴۴ سال گذشته بوجود آمده و روی هم انباشته شده بیشتر ناشی از استبداد مذهبی است و به تبع آن آزادی و گذار از رژیم استبدادی فقهاتی به خواست عمده اکثریت جامعه تبدیل شده است، اما از آنجا که مسئله عدالت نیز به همان اندازه آزادی برای اکثریت مردم اهمیت دارد و در این روزها به دغدغه غالب مردم تبدیل شده است ضروری است مورد توجه قرار گیرد و برای آن تدابیری اندیشیده شود

منشور ۱۲ ماده ای ۲۰ تشکل و نهاد مدنی و سیاسی حامی جنبش و برخوردار از پایگاه اجتماعی مردمی و مترقی در واقع پاسخ و اقدامی است سنجیده و مسئولانه برای برقراری ارتباط ارگانیک میان مطالبات آزادیخواهانه و عدالتخواهانه و کمک به تجهیز جنبش زن، زندگی، آزادی به برنامه اقتصادی- اجتماعی مترقیانه، با نظر داشت پایگاه اجتماعی متکثر آن و به منظور توانمندتر شدن جنبش در مقابل تعرضات رژیم سرکوبگر فقهاتی و راستگرایانی که تلاش دارند با مصادره جنبش به نفع امیال خود آن را از محتوا تهی و از مسیر درست منحرف نمایند

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!

تضمین اشتغال یا درآمد حداقل؟ بخش پنجم
کار و درآمد در کشورهای در حال توسعه
جرمی سیکینگز



ماهاراشترا را می توان الگوی برجسته طرحهای تضمین اشتغال پایدار دانست، و برنامه های اجرا شده در آفریقای جنوبی را مدلی بلندپروازانه برای تضمین درآمد، در هیچ کشور دیگری در جنوب، برنامه کمکهای اجتماعی (تضمین درآمد) پاسخگوی چنین طیف وسیعی از شرایط نبوده است: این که چه تعداد وسیعی از شهروندان را پوشش دهد، در عین حال که فشار زیادی بر تولید ناخالص داخلی نباشد.

تجارب تضمین اشتغال و تضمین معیشت در جنوب جهانی - ادامه

در آفریقا، این دست برنامه های تضمین اشتغال عمومی کمتر رایج بوده است. اتیوپی آسیب دیده از خشکسالی یک استثنا است. در آنجا، سیاست رسمی در مورد کمکهای غذایی این بوده که هیچ فرد بالغی که قادر به کار باشد، نباید بدون کار در پروژه های زیرساختی، جاده سازی و از این قبیل، یا در بخش خدمات عمومی کمک غذایی دریافت کند. فقط کسانی که قادر به کار نباشند، واجد شرایط دریافت کمک غذایی رایگان اند. برنامه "غذا در برابر کار" و غذای رایگان برای ازکارافتادگان تنها برنامه ایمنی عمومی ارائه شده در اتیوپی بوده است. بین سالهای 1999 و 2003، برنامه "غذا در برابر کار" در اتیوپی به طور متوسط برای 1.4 میلیون نفر در سال اشتغال ایجاد می کرد.

قریب به اتفاق این برنامه ها در رفع فقر مؤثر بوده اند. البته تمام بودجه ای که به این برنامه ها اختصاص می یابد، نصیب تهیدستان نمی شود. هزینه های اداری، "نشت" به افراد نامستمند به علت هدف گیری ضعیف مدیریت، و آنچه به "درآمدهای از دست رفته" موسوم است، یعنی فرصتهای شغلی واقعی دیگری که برخی از شرکت کنندگان در این برنامه ها ممکن است از دست بدهند، همگی باعث کاهش سهم با در نظر گرفتن این موارد تخمین می زند که سهم (Ravallion) مستقیم تهیدستان می شوند. راولیون مستقیم تهیدستان از این برنامه ها حدود 30 تا 40 درصد کل بودجه دولت برای برنامه های مهاراشترا در هند و "غذا به ازای کار" در بنگلادش بوده است. البته این برنامه ها همچنین مزایای غیرمستقیمی برای



تهیدستان داشته اند: تسهیل زیرساخت‌ها، سایر خروجیهای آنها و نیز تشدید فشار برای افزایش دستمزدها در بازار برای نیروی کار غیر ماهر. برنامه "نان اور خانواده" در آرژانتین، نسبت به برنامه قبلی "به سوی کار"، از هدف گیری ضعیفتری برخوردار بود، اما حتی در آن برنامه نیز 40 درصد از شرکت کنندگان از وراوالیون بر (Galasso) فقیرترین پنجک درآمدی و 90 درصد آنان از سه پنجک تهیدستان بودند. البته گالاسو این نظر اند که برنامه "نان اور خانواده"، نسبت به سایر برنامه های اجتماعی در آرژانتین، از هدف گذاری بهتری برخوردار بوده است. در اثر این برنامه نرخ بیکاری تقریباً 2.5 درصد کاهش یافت، اما با توجه به افزایش نرخ مشارکت [در بازار کار] تقریباً به همان میزان، تأثیر آن در فقرزدائی از 2.5 درصد بیشتر بود. افزایش مشارکت از آن رو بود که برخی از زنان نیز که کسی از بستگانشان در بازار کار حضور نداشت، به برنامه مذکور پیوستند.

ماهاراشترا را می توان الگوی برجسته طرحهای تضمین اشتغال پایدار دانست، و برنامه های اجراشده در آفریقای جنوبی را مدلی بلندپروازانه برای تضمین درآمد. در هیچ کشور دیگری در جنوب، برنامه کمکهای اجتماعی (تضمین درآمد) پاسخگوی چنین طیف وسیعی از شرایط نبوده است: این که چه تعداد وسیعی از شهروندان را پوشش دهد، در عین حال که فشار زیادی بر تولید ناخالص داخلی نباشد. برنامه های تضمین درآمد عموماً محدود به پرداخت نقدی به سالمندان واجد شرایط، از طریق مستمریهای سالمندی است. دریافت کنندگان از نظر مالی مورد آزمایش قرار می گیرند. اساس این است که آنان، حتی از طریق حمایت نزدیکان شان، منبع درآمدی نداشته یا درآمد بسیار محدودی داشته باشند. اخیراً، برزیل و مکزیک با طریق پرداخت نقدی مشروط به (Oportunidades) و "فرصتها (Bolsa Familia)" برنامه های "بسته خانواده خانواده های کم درآمد را پیشه کرده اند. این کمک بلاعوض مشروط به وضع معین مالی خانواده، وجود کودکان مدرسه رو و/یا نیاز به مراقبتهای بهداشتی است. در آفریقای جنوبی حق سالمندی مشروط به حداقل شرایط به سالمندان، کمک هزینه حمایت از کودک به والدین کم درآمد، و کمک هزینه بیماری به بیماران (که در مقابله با ایدز بسیار مهم شده) و معلولان تعلق می گیرد. در آفریقای جنوبی از هر پنج نفر بیشتر از یک نفر کمک هزینه اجتماعی (تضمین درآمد) دریافت می کند. پس تعجیبی ندارد که هزینه این برنامه بالا باشد. در سراسر جنوب جهانی، فقط برزیل، مکزیک و آفریقای جنوبی بیش از 1 درصد تولید ناخالص داخلی شان را صرف کمکهای اجتماعی می کنند؛ برزیل و مکزیک کمی بیش از 1 درصد و آفریقای جنوبی حدود 3 درصد. برنامه تضمین درآمد در آفریقای جنوبی از دهه 1920 شروع شد، اما در دهه 1940 بود که عموم مردم زیر پوشش آن قرار گرفتند، البته با سطوح برخورداری متفاوت مبتنی بر تبعیض نژادی. در دهه های اول رژیم آپارتاید باقی ماند و در سالهای آخر آن به یک سیستم حمایتی سخاوتمندانه تبدیل شد، زیرا حزب ملی زیر فشار سنگینی بود که تبعیض مزایای مبتنی بر تبعیض نژادی را با بالا بردن مزایای سیاه پوستان تا سطح مزایایی که قبلاً سفیدپوستان از آن برخوردار بودند، از میان بردارد. نتیجه این شد که در سالهای نخست پس از پایان آپارتاید، حقوق بازنشستگی و ازکارافتادگی به حدود 100 دلار آمریکا در ماه رسید. این مبلغ از حداقل دستمزد تعیین شده برای کارگران خانگی و کشاورزی در بیشتر نقاط کشور بیشتر بود. کمک هزینه حمایت از کودک این چنین سخاوتمندانه نیست و در حدود 30 دلار آمریکا در ماه است.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!



طافتم مردم از گرانی ها به سر رسیده است

صادق



موج اعتراضات معیشتی پاسخی است به گرانی و دستمزدهای زیر خط فقر

تورم و گرانی بیداد می کند. صدای اعتراض مردم علیه گرانی و حکومت روز به روز بیشتر می شود، قدرت خرید انانی که هنوز شغل و درآمدی دارند هر روز کمتر از روز پیش می شود و وضع میلیونها نفر که فاقد هر درآمدی به جز یارانه هستند بدتر از بقیه می شود

اقدامات دولت بجای اینکه لاقل از افزایش بیشتر قیمتها جلوگیری کند به افزایش آن دامن می زند و عرصه را هر روز بیشتر بر مردم تنگ می کند

قیمت دلار که در واقع چیزی غیر از سقوط آزاد ارزش ریال نیست در دو هفته اخیر با سرعت بی سابقه‌ای در حال رشد است و با هر جهش خود خانواده های بیشتری را به فقر می فرستد

با این همه و به رغم طاق شدن طافتم مردم از گرانی و فقر و تورمی که به گفته کارشناسان تا پایان سال بیشتر خواهد شد، حقوق کارکنان شاغل و بازنشسته را کمتر از نیمی از تورم رسمی افزایش داده و عیدی آنها را نیز دو سوم کاهش داده است

موج دامنه داری از اعتراضات و اعتصاب ها که بعد از تصویب افزایش حقوق مورد درخواست دولت در مجلس به راه افتاده است حاکی از غیر قابل تحمل شدن گرانی و افزایش اسمی حقوق ها کمتر از نرخ رسمی تورم است

موجی که می تواند در صورت عقب نشینی نکردن حکومت طومار دولت را درهم بپیچد

بر اساس آخرین گزارش اداره آمار تورم نقطه‌ای "گروه عمده خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات" با ۱.۳ درصد افزایش به ۷۰.۳ درصد رسیده است. نرخ تورم سالانه خانوار ها به ۴۷.۷ درصد و نرخ تورم نقطه‌ای از ۵۱.۳۰ درصد در دی ماه به ۵۳.۴ درصد افزایش پیدا کرده است

افزون بر اینها هر روز گزارشات تازه‌ای در مورد گرانی ها در رسانه ها و گله و شکایات مردم نسبت به آن منتشر می شود که نشان می دهند ابعاد گرانی و تورم فراتر از آن است که در آمارهای رسمی دولتی



اعلام می شود. قیمت دارو اکنون آنچنان بالا رفته است که بیش از نیمی از بیماران با وجود اهمیت حیاتی داروها برای سلامت و زندگی شان از خرید آن به دلیل نداشتن بضاعت مالی خودداری می کنند.

در هفته گذشته قیمت یک کیلو گوشت از ۵۰۰ هزار تومان فراتر رفت و دولت روزنامه‌ای که این خبر را تیتیر کرده بود تعطیل نمود.

دو هفته پیش قیمت یک کیلو پیاز به بیش از ۳۰ هزار تومان رسید. یعنی دو برابر مجموع حقوق دریافتی من و همسر در میانه جنگ خمینی و صدام. با آن حقوق در زمان جنگ ما زندگی به مراتب بهتری داشتیم و کرایه آپارتمان ۸۰ متری که در آن زندگی می کردیم ۳ هزار تومان و قیمت یک کیلو گوشت کوسفند حداکثر ۱۰۰ هزار تومان بود. خیلی از آنهایی که در آن موقع وضعشان مانند ما بود، خبر دارم که حاشیه نشین شده‌اند و داشتن خانه برایشان به آرزویی دست نیافتنی تبدیل شده است.

ابراهیم رئیسی گرانی ها را "فتنه" خواند و وعده داد که با کمک مردم دولت بر این فتنه نیز پیروز خواهد شد. اما فردای همان روز که رئیس جمهور منفور و سر سپرده خامنه‌ای این وعده کذب را داد نرخ برابری دلار در مقابل ریال از ۵۰ میلیون تومان هم گذشت و رکورد تاریخی دیگری را رقم زد.

اوضاع بقدری قمر در عقرب شده که مجلس تصمیم به جلسه فوق العاده برای بررسی گرانی ها گرفته است. با این همه از مجلس فرمایشی و هیچکس دیگر به نظر نمی رسد کاری بر آید و تغییر و تحولی را انتظار داشت.

وضعیت کنونی از قبل و از همان وقت که حکومت تصمیم به حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی اختصاص یافته به کالاهای اساسی و دارو و آزاد سازی قیمت نان و دارو گرفت قابل پیشبینی بود. گام بعدی که اخیرا با جایگزین کردن دلار ۲۸ هزار تومانی به جای دلار ۴۲۰۰ تومانی برداشته شد به جهش گرانی ها دامن زد و وضع را آشفته تر از پیش کرد. افزایش دوباره قیمت، دارو، گوشت، مرغ و تخم مرغ و سایر کالاها در واقع تا حدود زیادی ناشی از ۷ برابر کردن قیمت ارز کالاهای وارداتی بود که کشور نیازمند آنهاست.

گرانی و تورم فزاینده امروز نتیجه اقدامات و سیاستهای حکومت سرکوبگر و نا کارآمدی است که قادر به تامین بودجه سرسام آور خود از طریق به راه انداختن چرخ اقتصاد کشور نیست و می خواهد با افزایش مکرر مالیاتها، حذف سوبسیدها، افزایش قیمتها و خدمات و کاهش دستمزدها و حقوق کارگران و کارکنان دولت و زدن چوب حراج به سرمایه های کشور سلطه سرکوبگرانه رژیم در حال زوال خود را حفظ کند. این در حالی است که طاقث اکثریت مردم از وضعیت موجود به سر رسیده و علیه آن برخاسته‌اند.

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت تحمیلی حمایت می کنیم!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!



مدارس را می فروشند تا پول آن را خرج سرکوب و اشاعه جهل کنند!

صادق



در مناطق محرومی چون بلوچستان و کهگیلویه و بویر احمد کودکان در کپر و روی زمین درس می خوانند. بدتر از همه چند مدرسه‌ای را هم که مردم در بعضی از مناطق محروم با هزینه شخصی درست کرده‌اند دولت در لیست فروش قرار داده تا همانطور که این ایام در بلوچستان شاهدیم پول آن را صرف سرکوب مردم و اشاعه جهل و بیسوادی نماید.

در خبرها آمده بود که دولت مدارس ساخته شده توسط "خیرین" را در پوشش طرح "مولد سازی" در لیست اموال عمومی برای حراج قرار داده است. این افشاگری که توسط برخی از رسانه های اصلاح طلب مخالف دولت رئیسی انجام گرفت ابتدا توسط عوامل دولت، تکذیب و سپس گفتند اشتباهها در لیست فروش قرار گرفته بود.

توجیحات شیادانه عوامل دست اندر کار دولتی البته کسی را قانع نکرد، زیرا متعاقب آن رسانه های منتقد خبر از قانون شکنی های تازه ای دادند که مغایر با شرایط فروش اعلام شده بودند.

حتی خبرهایی در مورد فروش مدارس ساخته شده توسط مردم در بلوچستان جایی که با کمبود شدید مدرسه و مراکز آموزشی دست بگیریان هستند داده شد و تصاویری از مدرسه بزرگی که توسط مردم ساخته و تکمیل هم شده بود و دولت آن را به بهانه طرح نیمه تمام در لیست حراج گذاشته بود منتشر شد. وقاحتی به این اندازه که به مدارس ساخت افراد "خیر" هم رحم نکنند واقعا که نوبره

قبلا نیز رسانه ها از قرار گرفتن ۱۶۶۰ پروژه مدرسه سازی در لیست فروش خبر داده بودند

تخلفات متعدد این فروش که گفته می شود قرار است چوب حراج به آنها زده شود و ۱۸ هزار هزار میلیارد، از منابع دولت و در واقع از کسری بودجه دولت را برآورده کند و در همین آغاز کار افشا شده است حکایت از گسترده‌گی ابعاد فساد در جریان واگذاری ها دارد.



بعضی از اشخاص که بانی ساخت تعدادی از مدارس ملاخور شده هستند ادعاهای دولت در مورد نیمه تمام بودن مدارس و ادعای کسب رضایت دولت از خود برای فروش مدارس را رد کرده‌اند.

در این میان بازار بخور بخور و تطمیع را با تعیین ۵ درصد حق دلالی به واسطه های فروش که اشخاص وابسته به حاکمان هستند را باز گذاشته‌اند. این حق دلالی گفته می شود ۵ برابر حقی است که دلان املاک از مشتریان خود می گیرند.

هفته گذشته یکی از روزنامه های افشاگر با استناد به سابقه خصوصی سازی های پیشین از قول یک کارشناس مطلع نوشت موسساتی که واگذار خواهند شد حداقل یک سوم کمتر از ارزش واقعی شان فروخته خواهند شد. یعنی در این حراج حداقل ۶ هزارمیلیارد نصیب رانتخواران وابسته به قدرت حاکم خواهد شد.

روزنامه آفتاب نیوز در گزارشی که از تعدادی از واگذاری های پیشین داد لیستی از واگذاری ها و قیمت فروش آنها را منتشر کرد که نشان می داد بیشتر واحد های بزرگ واگذار شده به کمتر از ۲۵ درصد ارزش واقعی آنها و بعضا حتی کمتر بفروش رسیده و بیشتر قیمت فروش هم با وام بانکی بوده است.

واگذاری ها که قرار است بطور محرمانه توسط یک هیئت ۷ نفره داری مصونیت قضایی (کاپیتولاسیون) و برخوردار از حق تام و تمام بفروش برسد، سر و صداهای زیادی بر پا کرده است. یکی از اعضای هیئت مذکور قالیباف است که از لحاظ فساد جز اشرف المفاسدین است و بقیه هم دست کمی از او ندارند.

فروش مدارس در حالی انجام می گیرد که بنا به گفته برخی از مسئولین اسبق و کنونی رژیم کمبود شدید به مکانهای آموزشی وجود دارد و دانش آموزان مجبورند در کلاسهای ۴۰ تا ۵۰ نفره بصورت شیفتی تحصیل کنند و زنگ تفریح شان را در حیاط های کوچک مدارس بگذرانند که خیلی هایشان فاقد امکانات ورزشی مرسوم هستند.

در مناطق محرومی چون بلوچستان و کهگیلویه و بویر احمد کودکان در کپر و روی زمین درس می خوانند. بدتر از همه چند مدرسه‌ای را هم که مردم در بعضی از مناطق محروم با هزینه شخصی درست کرده‌اند دولت در لیست فروش قرار داده تا همانطور که این ایام در بلوچستان شاهدیم پول آن را صرف سرکوب مردم و اشاعه جهل و بیسوادی نماید.

جالب اینکه طرفداران دو آتشه خصوصی سازی طرفدار دولت روحانی نیز از آنجا که مطمئن هستند از این غارت جدید سهمی نصیب شان نمی شود و سری کردن غارت هم مویذ ملاخور شدن اموال توسط اغنیای وابسته به جریان حاکم می دانند، با اینکه می فهمند اعتراض شان ره بجایی نمی برد به اعتراض بر خاسته‌اند.

طرح مولد سازی در واقع آتش زدن به ته مانده دارایی های باقی مردم کشور برای تامین کسر بودجه سنگین دستگاه های تبلیغاتی، ایدولوژیک و نیروی سرکوب رژیم و اشاعه جعل در کشور است. از ۸۸ میلیارد دلار پول اموال خصوصی شده کشور که با یک چهارم ارزش واقعی شان واگذار شده‌اند و طی سالهای گذشته هزینه شده‌اند جز مشتری دزد و غارتگر وابسته به حکومت که بدون تلاش و زحمت یک شبه ره صد ساله را پیموده و به ثروت های افسانه‌ای رسیده‌اند نه کس دیگری نصیبی برده و نه آنطور که طرفداران خصوصی سازی ادعا می کردند و می کنند، تغییر و تحول مثبتی در وضعیت تولید، اشتغال و فساد بوجود نیامده که هیچ، بلکه وضعیت همه اینها بدتر شده است.



بازداشت ۶۰ کارگر در جریان اعتصاب دو روز گذشته
! موج اعتراضات معیشتی با سرکوب متوقف نخواهد شد
ماموران سرکوب روز گذشته با یورش به تجمع مطالباتی کارگران ذوب آهن اصفهان ده ها نفر از کارگران حق
طلبی را که بخاطر افزایش دستمزد و طبقه بندی مشاغل اعتصاب کرده بودند بازداشت کردند. با این همه
با سرکوب در شرایط بحران اقتصادی محال است بتوانند موج اعتراضات معیشتی را که هم اکنون شروع
شده است متوقف کرد





شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
اعتصاب کارگران پروژه‌های نیروگاه سبلان
بنا بر اخبار منتشر شده روز شنبه ششم اسفند، همکاران پروژه‌ای شرکت نصب نیرو شاغل در نیروگاه
سبلان اردبیل، با اعتصاب خود و تجمع در محل کارگاه نسبت به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق عقب افتاده
اعتراض کردند.



موج اعتراضات بازنشستگان برای افزایش حقوق در شهرهای مختلف همچنان ادامه دارد



تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش
امروز یکشنبه ۷ اسفندماه ۱۴۰۱، بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی شوش در اعتراض به
عدم رسیدگی به مطالباتشان در مقابل سازمان تأمین اجتماعی این شهر دست به تجمع و راهپیمایی
زدند.





حمایت محققان و اساتید ایرانی و ایرانشناس از منشور مطالبات حداقلی تشکلهای صنفی و مدنی دهها تن از چهره های شناخته شده دانشگاهی ایرانی و ایرانشناس با انتشار بیانیه ای از «منشور مطالبات حداقلی تشکلهای مستقل صنفی و مدنی ایران» حمایت کردند. امضا کنندگان این بیانیه می گویند «ما از منشور «مطالبات حداقلی» اتحادیه ها و انجمن های مدنی ایران استقبال می کنیم زیرا عمیقاً باور داریم که تنها کارزارها و مبارزات سامان یافته توسط سازمان های مردمی در ایران می تواند تغییرات بنیادی لازم را برای کشور به ارمغان آورد.» در میان امضا کنندگان از جمله این اسامی به چشم می خورد: یروان آبراهامیان، ژانت آفاری، آصف بیات، هما هودفر، آزاده کیان، کاظم علمداری، آرنگ کشاورزبان، محمدعلی کدیور، کاوه احسانی، اعظم خاتم، پیمان جعفری، کامران متین، افشین متین عسگری، هایده مغیثی، فرهاد نعمانی، سعید پیوندی، نیره توحیدی و محمد توکلی طرقی.



اعتصاب کارگران هفت تپه

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید**

در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>